

کارکرد نمادهای اسطوره‌ای در تصویرهای غنایی شعر نادر نادرپور در تطبیق با شاهنامه‌های مصور تیموری

چکیده

نماد و استفاده از زبان نمادین از ابزارهای مهم خلق تصویرهای شعری و پرداخت‌های ذهنی به‌ویژه در ادبیات معاصر فارسی است. شاعر با کمک نماد (سمبل) می‌تواند اندیشه‌های درونی، روحی و روانی خود را به امری محسوس و عینی تبدیل کند. سمبل‌ها به سبب ویژگی تأویل‌پذیری‌ای که دارند متن ادبی را از ساحت تک‌بعدی بودن آزاد می‌کنند و به خواننده امکان برداشت‌های متفاوت از متن را می‌دهند. هدف پژوهش حاضر آن است تا با روش تحلیلی-توصیفی، بررسی منابع کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های آماری به‌دست آمده نشان دهد که نمادهای اسطوره‌ای به‌کار رفته در شعر نادرپور علاوه بر نمایش تصویرهای غنایی شعری و ایجاد ابهام و التذاذ هنری برای مخاطب، کارکردهای دیگری هم دارند که با تأویل نمادهای اسطوره‌ای به‌کار رفته و تحلیل تصویرهای غنایی حاصل شده می‌توان به اندیشه‌ی درونی و محتوایی آن تصویرها پی برد. در این پژوهش با بررسی دقیق تصویرهای غنایی موجود در شعر نادرپور و استخراج و تأویل نمادهای اسطوره‌ای به‌کار گرفته شده در آن‌ها، نشان داده شده است که آن نمادها- برحسب نتایج کمی و آماری- به ترتیب دارای کارکرد وطنی، اجتماعی، عاشقانه، فلسفی و مفاخره‌ای هستند. نتیجه حاصل آنکه در تصویرهای غنایی موجود، شاعر علاوه بر خلق تصویرهای بدیع شعری به‌دنبال القای اندیشه‌ای نیز به مخاطب خود بوده است و در این راه با به‌کارگیری مفاهیم اسطوره‌ای و نماد قراردادن اسطوره‌ها به‌عنوان ابزاری اساسی در پرداخت بن‌مایه‌های فکری تصویرهای غنایی در شعر خود بهره برده است. تصاویر غنایی در شاهنامه‌های مصور دوره تیموری نیز نمود پررنگی دارند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی کارکردهای نمادهای اسطوره‌ای در تصاویر غنایی شعر نادر نادرپور.
۲. بررسی کارکردهای نمادهای اسطوره‌ای در تصاویر غنایی شعر نادرپور در مقایسه با شاهنامه‌های مصور تیموری.

سوالات پژوهش:

۱. کارکردهای شعر نادر نادرپور کدام‌اند؟
۲. کارکردهای شعر نادرپور با مقایسه با شاهنامه‌های مصور تیموری چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: نمادهای اسطوره‌ای، کارکرد نماد، تصویر غنایی، شاهنامه‌های مصور تیموری، نادر نادرپور.

مقدمه

نماد از جمله ابزار است که شاعر به کمک آن دست به خلق ایماژ شعری می‌زند. در شعر معاصر فارسی نقشی پررنگ در خلق ایماژهای شعری توسط شاعران دارد. استفاده از نماد باعث حرکت ذهن از سطح به عمق اثر می‌شود و در عمق بخشیدن به اثر نقشی تعیین‌کننده دارد. نماد همواره با ابهام همراه است و ابهام هنری ایجاد شده توسط نمادها چالش جدی برای ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند، چالشی که درک آن مستلزم آشنایی از جنبه‌های مختلف با اثر، صاحب اثر، محیط پیرامون، فرهنگ، تاریخ و واضح‌تر گفته شود، آشنایی کامل با کل حوزه‌های مختلف فکری بشری را می‌طلبد؛ به همین دلیل هر رشته علمی و هنری، بنابه ضرورت خاص و از نگاه ویژه خود نمادهایی را به استخدام درمی‌آورد.

جزء، شیء یا پدیده‌ای که نماد واقع می‌شود به راحتی می‌تواند بار معنایی گسترده‌ای بر دوش بکشد؛ به همین دلیل چارلز چدویک (۱۹۳۲ م.) معتقد است: «با کمک سمبل‌ها می‌توان افکار و عواطف درونی را نه از راه شرح مستقیم و به وسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آن‌ها و استفاده از نمادهای بی‌توضیح برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست» (چدویک، ۱۳۷۵: ۱۱). به واقع نماد بیانگر کلیات مفاهیم بزرگ و مبهم به وسیله موضوعات جزئی و آشکار است.

پیشینه شعر نمادین (سمبولیک) در ادبیات فارسی بیشتر به حوزه عرفان برمی‌گردد. عرفا همواره از زبان نمادین برای بیان عواطف و افکار درونی خود بهره می‌برند، البته در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی نیز شاعران و نویسندگان به سبب ملاحظاتی گاه از بیان مستقیم مسائل دوری می‌کنند؛ به عبارتی «در آثاری با محتوای سیاسی و اجتماعی شاعر به خوبی می‌داند که در بیان مستقیم و خام مسائل اجتماعی و سیاسی، سروده‌های آنان را از عنصر ادبیت و شعریت تهی خواهد ساخت، پس به دنبال شیوه‌هایی بود تا در عین جامعه‌گرایی سیاسی از غنای ادبی و هنری شعر کاسته نشود و این شیوه همان بیان سمبولیک است» (حسین پور چافی، ۱۳۸۳: ۲۰۳). شروع نمادگرایی در شعر معاصر فارسی را از حدود سال ۱۳۱۶ و شعر «ققنوس» نیمایوشیچ باید دانست و پس از نیما پیروان او این شیوه سخن‌سرایی را دنبال کردند (ر.ک، شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). پس از نیما گرایش به نمادپردازی و استفاده از زبان نمادین در بیان افکار و عواطف درونی مورد استقبال بسیار قرار گرفت.

نادر نادرپور (۱۳۷۸-۱۳۰۸) از جمله رمانتیک‌ترین شاعران معاصر فارسی است که کاربرد نماد (سمبل) در شعر او جایگاه ویژه‌ای دارد. وسواس در انتخاب واژگان، ترکیب‌سازی‌های بدیع، تصویرهای فشرده، و پیوند این همانی انسان و طبیعت در شعر او باعث تشخص سبکی وی و خلق و پردازش تصویرهای شعری غنایی بدیعی شده است. این تصویرها گاه آنچنان بکر و تازه هستند که مخاطب را به خوانش چند باره شعر او ترغیب می‌کند. در اوایل دهه ۴۰ که شروع جریان‌های پیش‌تاز و آوانگارد (Avant-garde) در شعر فارسی بود و اوج جدل‌های بین گروه‌های سنت‌گرا و شاعران مدرن به حساب می‌آید، نادرپور حفظ تعادل می‌کند و همواره در جایی بین این طیف‌های مختلف شعری جایگاه خود را نگه می‌دارد؛ به گونه‌ای که در هر دو طیف حمایت خود را حفظ می‌کند؛ از طرفی خانلری با نوع نگاه کلاسیک خود و از طرف دیگر یدالله رویایی با اعتقاد به شعر مدرن و آوانگاردی که داشت هر دو به تمجید از شعر نادرپور پرداختند و رابطه شعری خود را با آن حفظ کردند. نادرپور که هم در قالب‌های سنتی - به‌ویژه چهارپاره - و هم در قالب‌های نیمایی شعر سرود، اگرچه بسیاری از ایماژهای درهم‌تنیده شعر او صرفاً تصویر مطلق شعری و بدون هیچ بار معنایی خاصی هستند، اما در موارد زیادی هم «توجه به سنت فرهنگی کلاسیک، طرح دغدغه‌های انسان مدرن و زندگی

شهری، از پایه‌ی رمانتیک سیاه و اندیشه‌های سیاسی» (زرقانی، ۱۳۹۱: ۲۵۸). در شعر او وجود دارد. یدالله رویایی در نقدی که بر مجموعه‌ی سرمه‌ خورشید می‌نویسد، شعر نادرپور را: «نماینده‌ی نسل خود و زمان شاعر معرفی می‌کند، نسلی که قیافه‌ی زمانش را در آینه‌ی عصیان و سازش و پشیمانی و ناکامی دیده است» (لنگرودی، ۱۳۷۷: ۲/ ۵۷۲).

درباره‌ی شعر نادرپور پژوهش‌هایی صورت گرفته است که بیشتر آن پژوهش‌ها مربوط به بررسی شعر وی از منظر بلاغت و ساخت بلاغی هستند و یا به تطبیق تصویرهای شعری نادرپور با شاعری دیگر از نظر صورخیال پرداخته شده است و کم‌تر توجهی به محتوا و درون‌مایه‌ی فکری و محتوایی شعرهای این شاعر شده است. در زمینه‌ی موضوع پژوهش حاضر نیز هیچ پژوهشی قبل از این صورت نگرفته است و بن‌مایه‌ی تصویرهای غنایی حاصل از نمادهای اسطوره‌ای در شعر ایشان را مورد بررسی قرار نداده‌اند. از پژوهش‌هایی که اطلاعات مفیدی را درباره‌ی اندیشه‌های ذهنی و محتوایی و همچنین تصویرهای شعر نادرپور در اختیار نگارندگان قرار داده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مقاله «برخی از معانی رمانیستی در شعر نادر نادرپور» (خلیلی جهانتیغ و دلارامی، ۱۳۸۹). در این مقاله نویسندگان به بررسی و جست‌وجوی اندیشه‌های رمانتیستی در شعر نادرپور پرداختند. برخی از نشانه‌هایی نظیر نوستالژی، دلتنگی‌های عاشقانه، مرگ‌اندیشی، نقد مظاهر تمدن جدید، بازگشت به دوران کودکی، روستاستایی، طبیعت‌گرایی و وطن‌گرایی را با ذکر نمونه‌های شعری از نادرپور اشاره کرده‌اند و در نهایت نادرپور را یکی از شاعران برجسته‌ی رمانتیک شعر معاصر فارسی به حساب آورده‌اند که اندیشه‌های رمانتیستی در شعر او نمایان است. مقاله «تغزل و عاشقانه سرایی در شعر نادرپور» (شکی، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۳)؛ در این مقاله نویسنده درباره‌ی توجه نادرپور به مسایل عاشقانه و روابط احساسی بین انسان‌ها پرداخته است. همچنین به اندیشه‌هایی نظیر مرگ و مرگ‌اندیشی و اندوه و ملالی که ناشی از روابط عاطفی بین انسان‌ها ایجاد می‌شود نیز اشاره‌هایی آمده است. مقاله «روانشناسی درد در شعر نادرپور» (شریفیان، ۱۳۸۹)؛ در این مقاله پژوهشگر به دردهای موجود در شعر نادرپور و حسرتی که شاعر از گذشته‌ی خود می‌خورد- از نگاه روانشناسی یونگی- پرداخته شده است و به مسائلی نظیر نوستالژی و دلتنگی‌های شاعر برای اسطوره‌های ایرانی اشاره کرده است. مقالات دیگری در زمینه‌ی تصویر و ایماژهای شعر نادرپور نیز وجود دارد که بیشتر به حوزه‌ی بررسی آن ایماژها از منظر بلاغی و صورخیال پرداخته‌اند. از کتاب‌هایی که در زمینه‌ی نقد، بررسی و تحلیل شعر نادرپور نوشته شده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کتاب «نقد و بررسی شعر نادرپور» (سلحشور، ۱۳۸۰) در این کتاب، نویسنده درباره‌ی شعر نادرپور و تصویرهای شعری او از منظر علوم بلاغی سخن گفته است و به بررسی آرای کسانی نظیر غلامحسین یوسفی، رضا براهنی، فریدون مشیری، یدالله رویایی، محمد زهری، رهی معیری، نصرت رحمانی، شهریار، خانلری و... درباره‌ی شعر و ویژگی‌های شعر نادرپور پرداخته است. در بخشی از این کتاب نویسنده به بررسی و مقایسه‌ی سبک تصویرپردازی‌های شعری نادرپور با شاعران سبک خراسانی-به‌ویژه منوچهری- پرداخته است. کتاب «کهن دیار، نقد و تحلیل اشعار نادرپور» (عیدگاه طرهبه‌ای، ۱۳۸۸)؛ در این کتاب، نویسنده به بررسی ایماژهای شعر نادرپور از منظر علوم بلاغی و صورخیال پرداخته است. همچنین در بخشی جداگانه به بررسی آرای کسانی نظیر خانلری، براهنی، اخوان ثالث، توللی، رویایی و... درباره‌ی شعر نادرپور پرداخته است و در پایان کتاب نیز گزیده‌ای از شعرهای شاعر را آورده است. کتاب «طلا در مس» (براهنی، ۱۳۵۸) که در بخشی به شکل مختصر و دقیق به نقد و تحلیل سبک شعری نادرپور و تحلیل تصویرهای شعری او پرداخته است.

در این پژوهش بر آن هستیم تا با روش تحلیلی-توصیفی و مطالعه منابع کتابخانه‌ای با بررسی شعر نادرپور، کارکردهای نمادهای اسطوره‌ای و هدف شاعر از به‌کارگیری زبان نمادین (سمبلیک) را بررسی کنیم و به چرایی این پرسش‌ها که

هدف شاعر از به‌کارگیری زبان نمادین چیست؟ و آیا این ایماژهای غنایی که با ابزار نماد و به خدمت گرفتن اسطوره‌ها ساخته شده‌اند کارکرد و بُن‌مایه خاصی را دارند یا صرفاً یک ایماژ غنایی برای التذاذ شعری به حساب می‌آیند؟ پاسخ بگوییم و سپس با ارائه آمار کمی و تحلیل داده‌های آماری به‌دست آمده، بن‌مایه‌های فکری موجود در نمادهای اسطوره‌ای به‌کار رفته در شعر نادرپور را مشخص کنیم. در این پژوهش، تصاویر غنایی و اسطوره‌ای در شاهنامه‌های مصور تیموری نیز بررسی می‌شود.

نتیجه‌گیری

نماد و استفاده از زبان نمادین (سمبلیک) از ابزارهای مهمی است که یک شاعر با به‌کارگیری آن می‌تواند اندیشه‌های ذهنی و درونی خود را به شکل غیرمستقیم و در قالب تصویرهای شعری بیان کند که با تأویل آن تصویرهای شعری حاصل از کاربرد نمادها می‌توان به فلسفه ذهنی و بن‌مایه‌های فکری شاعر پی‌برد. نادرپور با به‌کارگیری اسطوره‌ها، دست به خلق تصویرهای غنایی در شعر خود زده است که علاوه بر ابهام هنری و تولید معنای جدید توانسته است که اندیشه‌های ذهنی خود را نیز در قالب این تصویرها به مخاطب شعر خود عرضه کند. شعر نادرپور آن‌گونه که در تحلیل داده‌های آماری حاصل از پژوهش دیده شد در پشت تصویرهای غنایی تازه و بکر خود اندیشه‌های عمیقی دارد که نشان‌دهنده پیوند این شاعر با جامعه و فرهنگ عمومی مردم، ذهن فلسفی و پرسشگر این شاعر و همچنین جدانبودن وی از توده و بدنه عمومی آحاد ملت، عشق‌ورزی به نوع انسان و ارزش‌های انسانی دارد. این مسئله اهمیت موضوع این پژوهش را گوشزد می‌کند و می‌تواند پاسخ به منتقدانی باشد که شعر نادرپور را خالی از محتوا و تنها تصویرهای درهم‌تنیده و پیچیده شعری می‌دانند که البته تجدیدنظر و بازنگری در برخی انتقادات نسبت به شعر نادرپور را می‌طلبد. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با بررسی دقیق شعر نادرپور- آن‌گونه که شایسته شعر ایشان است- اندیشه‌های ذهنی و محتوایی نهفته در پس تصویرهای شعری او را به خوانندگان عرضه کنند تا نشان داده شود که تصویرهای شعری در شعر این شاعر علاوه بر زیبایی و التذاذ هنری که برای مخاطبان ایجاد می‌کنند دارای کارکردهای محتوایی و معنایی نیز هستند. در شاهنامه‌های مصور دوره تیموری نیز بسیاری از نمادهای غنایی بازتاب یافته است و علت این مسئله را می‌توان در نهادینه‌شدن مفاهیم اساطیری در فرهنگ و هنر ایرانی دانست.

منابع و مآخذ:

- آقاحسینی، حسین و خسروی، اشرف. (۱۳۸۹). «نماد و جایگاه آن در بلاغت». مجله بوستان ادب، شماره ۲، ۳۰-۱.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۰). حقیقت و زیبایی. چ پنجم، تهران: نشر مرکز.
- براهنی، رضا. (۱۳۵۸). طلا در مس. ج ۳، تهران: زریاب.
- بارت، رولان. (۱۳۷۵). اسطوره امروز. ترجمه شیرین‌دخت دقیقیان. تهران: مرکز.
- پاینده، حسین. (۱۳۹۷). نظریه و نقد ادبی. ج ۲، تهران: سمت.
- چدویک، چارلز. (۱۳۷۵). سمبولیسم. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: نشر مرکز.
- حسین پور چافی، علی. (۱۳۸۳). جریان‌های شعری معاصر. تهران: امیرکبیر.

- خان محمدی، محمدحسین. (۱۳۹۴). «هنجارگریزی در اشعار نادرپور». فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، شماره ۲۲، ۵۱-۳۱.
- خلیلی جهانتیغ، مریم و دلارامی، علی. (۱۳۸۹). «برخی معانی رمانتیستی در شعر نادرپور». پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۱۴، ۲۷۶-۵۲.
- رزمجو، حسین. (۱۳۹۰). انواع ادبی. چ سوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضابیگی، مریم و دیگران. (۱۳۹۱). «بررسی جریان‌ها و تحولات شعر فارسی از دهه ۲۰ تا دهه ۵۰ با تکیه بر اشعار نادر نادرپور». فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، شماره ۱۲، ۱۲.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۹۲). چشم‌انداز شعر معاصر فارسی. چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.
- زمانی، کریم (مصحح). (۱۳۸۹). مثنوی. مولانا جلال‌الدین رومی. دفتر اول، تهران: اطلاعات.
- سلحشور، یزدان. (۱۳۸۰). نقد و بررسی شعر نادرپور. تهران: مروارید.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). ادوار شعر فارسی. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۱). مکتب‌های ادبی. چاپ هفتم. تهران: نشر قطره.
- شمس لنگرودی، محمد. (۱۳۷۷). تاریخ تحلیلی شعر نو فارسی. تهران: نشر مرکز.
- طاهباز، سیروس. (۱۳۶۸). مجموعه آثار نیما یوشیج (درباره شعر و شاعری). تهران: دفترهای زمانه.
- عفیف، عسیران و منزوی، علی نقی. (۱۳۴۸). نامه‌های عین‌القضات همدانی. عبدالله بن محمد همدانی، ج ۱، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عیدگاه طرقله‌ای، وحید. (۱۳۸۸). کهن دیار؛ نقد و تحلیل اشعار نادرپور. تهران: سخن.
- قربانی، محمد. (۱۳۹۲). «نمادهای اسطوره‌ای ملی و دینی در شعر دفاع مقدس». فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۰، ۲۳-۱.
- علوی مقدم، مهیار و ساسانی، مریم. (۱۳۸۶). «بررسی تطبیقی بازآفرینی اسطوره‌ها در شعر معاصر». مجله ادبیات تطبیقی جیرفت، شماره ۳، ۱.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- فرخزاد، فروغ. (۱۳۸۱). دیوان شعر فروغ. تهران: انتشارات طلایه.
- یونگ، گوستاو کارل. (۱۳۷۷). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: نشر جامی.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۵۵). «اسطوره در شعر امروز ایران». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴۸، ۷۸۲-۸۰۹.

Bressler, C. (1994). LITERARY CRITICISM. Newjersey: Englewood.

Bennett, A. and Royle, N. (2004). An Introduction Literature Criticism and Theory, NewYork: longma.

Cuddon, J.A. (2003). A DICTIONARY OF LITERARY TERMS AND LITERARY THEORY. UK: Wiley-Blackwell, West Sussex.

Emden, J.V. (1986). THE METAPHYSICAL POETS. London: the macmillan press.